payamdaily.ir

نخستین روزنامه صبح البرز

پیام آشنا

شماره ۱۰۳۲
دوشنبه / ۲ تیر / ۱۳۹۹
۳۰ / شوال / ۱۴۴۱
22 / June/ 2020

صاحب امتیاز: موسسه همکاران اندیشه زمان
مدیر مسئول: محمود حیدری سردبیر: باهره حیدری
نشانی: کرج بلوار تعاون، خیابان فرهنگ، جنب کافون کارشناسان رسمی دادگستری
تلفن: ۳۲۵۳۳۴۳۴-۳۲۵۳۳۴۳۳ ۰۲۶- فکس ۳۲۵۵۳۸۳۸
فکس اینترنتی پیام آشنا: ۰۲۱-۸۹۷۸۶۷۳۹
امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۴۳/۴۶
چاپ: کارگر

کافه پیام

برای انعکاس نظرات و گلایه ها و پیشنهادات خود درباره مسائل البرز با پیام آشنا تماس بگیرید

۳۲۵۵۳۸۳۸
۳۲۵۴۱۴۹۵
۰۹۰۱۴۰۴۸۳۳۳

با شعرای کرج

شوق دل

ای که بر شوق دلم، پا می گذاری
زخم هجران بر دلم، جا می گذاری

چشم بی خوابم، ز داغت ملتهب شد
دشنه ی هجرت به دل، تا می گذاری

مرغ عشقی راه که در قاب دلم بود
بی ترحم در قفس، وا می گذاری

رفتی و در دست تنهایی، اسیرم
حسرتی را بر دل ما، می گذاری

می نشینم کنج حسرت، تا بپایی
زان دمی ما را، که تنها می گذاری

شاید از ترس جدایی، من بمیرم
پای خود بر قبرم، آیا می گذاری؟

من رهایم، تاب ماندن را ندارم
وعده دیدار فردا، می گذاری

بهروز قاسمی (رها)

خاطره امروز با حافظ

ای دل مباش یک دم خالی ز عشق و مستی
وان گه برو که رستی از نیستی و هستی
گر جان به تن ببینی مشغول کار او شو
هر قبله‌ای که بینی بهتر ز خودپرستی

خاطره

یاد باد آن شب که
دلبر مست و
دل در دست بود

خواجوی کرمانی

اذان کرج — اوقات شرعی فردا

اذان صبح	طلوع آفتاب	اذان ظهر	غروب آفتاب	اذان مغرب
۰۴:۴۵	۰۶:۱۹	۱۳:۰۴	۱۹:۴۹	۲۰:۰۸

برگه

بیست سال بعد بیشتر به خاطر کارهای نکرده ناراحت می شوید تا کارهایی که انجام داده اید.

مارک تواین

تلنگر

تنهایی؛ بحران جدید محیط کار

این روزها در بسیاری از کشورهای جهان، قرنطینه هنوز ادامه دارد و بسیاری از مردم به دورکاری روی آورده‌اند. دکتر «یوک موری»، جراح کل سابق ایالات متحده در نوشته کتاب «ما هم»، می گوید حتی قبل از بحران کرونا ما سال‌ها با یک اپیدمی دیگر مواجه بودیم؛ اپیدمی تنهایی.

مطالعات نشان می‌دهد افزوای اجتماعی سال‌هاست که در آمریکا و سایر نقاط جهان رو به افزایش است و بر بهزیستی و سلامت ما تاثیر منفی دارد. محل کار جایی است که ما می‌توانیم ارتباطات پیدا کنیم اما اغلب اوقات این اتفاق نمی‌افتد. ما در چهاردیواری اتاق یا بارتیشن خود حبس می‌شویم یا دورکاری می‌کنیم. در نتیجه، هیچ تعامل معناداری با کسی نداریم.

اگر فاصله‌گذاری اجتماعی در آینده بیشتر رواج یابد اوضاع بدتر خواهد شد. اما موری می‌گوید راه‌هایی وجود دارد که سازمان‌ها بتوانند با این گرایش مقابله کنند. او اخیراً میهمان «لیسون بیرد» از دنیران مجله کسوکار هاروارد بوده و درباره مقوله تنهایی صحبت کرده. چکیده‌ای از این مصاحبه را با هم می‌خوانیم.

الیسون: خوش آمدی. تو مدت‌هاست درباره اپیدمی تنهایی صحبت کرده‌ای اما برایمان بگو چرا از نظر تو، تنهایی مشکلی مرتبط با اسلامتی است؟ چه آسیبی به ما می‌زند؟

موری: خب، تنهایی موضوع جدیدی نیست. احساسی است که نسل‌ها آن را تجربه کرده‌اند. آنچه جدید است درک ما از تاثیرات آن روی بدن و زندگی انسان است. یکی از اولین تاثیرات این است که تنهایی استرس می‌آورد و استرس، اگر موقتی باشد، می‌تواند عملکرد ما را بهتر کند. اما مشکل از جایی شروع می‌شود که تنهایی برای مدت طولانی ادامه داشته باشد و استرس مزمن ناشی از آن، به مرور به بافت‌ها و رگ‌ها آسیب خواهد زد و این به نظر ما شاید یکی از دلایل ارتباط میان تنهایی و خطر بیماری‌های قلبی، افسردگی، اضطراب، جنون و حتی کاهش طول عمر است.

معیار اندازه‌گیری تنهایی چیست؟

سوال خوبی است. چون تنهایی یک واژه «عینی» نیست. یک احساس است. حس می‌کنیم ارتباطاتی که نیاز داریم بیشتر از ارتباطات اجتماعی‌ای است که در عمل داریم. ممکن است صدها نفر دورت باشند و احساس تنهایی کنی یا برعکس، تنها چند نفر داشته باشی و همان ارتباطات به تو احساس رضایت دهند. چیزی که درباره تنهایی می‌فهمیم این است که کاملاً شایع است. آمارها هم همین را نشان می‌دهد. عموم مردم تصور می‌کنند که تنهایی، مشکل افراد سالخورده است. اما وقتی به داده‌ها رجوع می‌کنیم می‌بینیم که تنهایی در طی دوران زندگی، نوسان دارد و یک جاهایی به یک می‌رسد اما بالاترین پیک آن، طی دوران نوجوانی و اوایل جوانی است. خیلی‌ها فکر می‌کنند جوانان نسل هزاره و نسل Z از بقیه نسل‌ها ارتباطات بیشتری دارند اما از قرار معلوم، استفاده از تکنولوژی لزوماً باعث رفع تنهایی نمی‌شود.

و داده‌هایی هستند که نشان می‌دهند این مشکل دارد بدتر می‌شود. اما هنوز اطلاعات کافی نیست تا بتوانیم نظر قطعی بدهیم.

مایه‌ش زیادی از روز را در محل کار می‌گذرانیم. خواه مجازی، خواه حضوری. تنهایی چطور روی عملکرد ما تاثیر می‌گذارد؟

مردم، دست‌کم یک‌سوم زندگی خود را در محل کار می‌گذرانند و تجربه ما در محیط کار، روی زندگی خارج از محیط کار نیز تاثیر دارد. موسسه «گالوپ» در یک نظرسنجی، میزان تنهایی در محیط کار را بررسی کرد، با طرح این سوال از کارکنان: «حس می‌کنید چند تا دوست نزدیک در محل کار دارید؟» منظورشان این بود که چند نفر مورد اعتمادتان هستند که در کنار آنها، خودوقتی زنان هستید و جواب‌هاتان داد میان تنهایی و میزان مشارکت کارکنان نیز روی بهره‌وری، نوآوری و حفظ نیروها تاثیر دارد. نشان داد که کار تیمی، باعث افزایش ارتباطات اجتماعی می‌شود و همین، تفاوت‌های بزرگ ایجاد می‌کند. و اگر به احساس کارکنان و تجربه آنها اهمیت دهی، کار برایشان خوشایندتر و رضایتبخش می‌شود.

و همین حس ارتباط در محل کار، بهره‌وری ما را افزایش می‌دهد. همه اینها یعنی روابط ما در محیط کار بسیار مهم‌است که نه‌تنها روی سودوزیان شرکت، بلکه روی کیفیت زندگی کاری و شخصی افراد تاثیر دارد.

تو در کتابت درباره روابط صمیمانه با دوستان صمیمی صحبت کرده‌ای. به فعالیت‌های جمعی یا یک هدف مشترک هم اشاره کرده‌ای. آیا ما در محیط کار به هر دوی اینها نیاز داریم؟

بـه نظرم در زندگی به دایره افراد صمیمی نیاز داریم. به فعالیت‌های گروه یا افراد دورتر هم نیاز داریم اما در محیط کار، به کسانی نیاز داریم که مورد اعتمادمان باشند که در کنارمان، خود وقتی‌مان باشیم. روراست باشیم، به کسانی نیاز داریم که ما را آن‌طور که هستیم ببینند. این افراد ممکن است آن قدرها هم با ما صمیمی نشوند اما می‌توانیم با آنها دوستی مستحکمی داشته باشیم و این مهم است و البته به‌عنوان انسان، ما نیاز داریم بدانیم که کسانی هستند که دوستمان دارند که منظورم حس رمانتیک نیست. منظورم کسی است که ما را همان‌طور که هستیم بپذیرد و قدرمان را بداند.

آیا تکنولوژی و دورکاری باعث شده احساس ما نسبت به همکاران و نحوه تعامل ما با آنها تغییر کند یا بیشتر احساس تنهایی کنیم؟

تکنولوژی یک شمشیر دوله است. اینکه باعث شده بیشتر یا کمتر تنها شویم به نحوه استفاده ما از آن بستگی دارد. در محیط کار، ترکیبی از این دو است. زمانی وقتی خطرناک می‌شود که فکر کنیم یک کنفرانس ویدئویی، مثل یک جلسه حضوری است. اما در حقیقت ملاقات حضوری خیلی فرق دارد و تاثیر بیشتری دارد. منظورم این نیست که کسی نباید دورکاری کند فقط باید بدانیم که در ازای آن، چه چیزی را از دست می‌دهیم و چطور می‌توانیم جبرانش کنیم.

تکنولوژی، کارآیی را افزایش می‌دهد اما باید بهای انسانی استفاده از آن را که قطعاً روی روابط تاثیر می‌گذارد بدانیم. و میان این دو، بالانس برقرار کنیم. اگر نکنیم، روابط را قـدای کارآیی کردیم و به مرور زمان، احساس افزوا خواهیم کرد.

به‌عنوان یک شخص، چطور می‌توانیم یک چنین رفتاری را در خودم تقویت کنم؟

یکی از بهترین راه‌های برای تقویت روابط انسانی در محیط کار، وارد شدن در امر مهربانی و دلسوزی است. از طریق کارهای کوچک، نیاز نیست یک کار خیلی بزرگ انجام دهی. وقتی همکارت با مشکلی مواجه شده، آیا می‌ایستی و حالش را می‌پرسی؟ آیا به حرف‌هایش گوش می‌کنی؟ یا اگر کسی قهوه می‌خواهد، آیا وقت سر خراغش نداری؟ آیا برایش قهوه می‌گیری؟ همین لحظات کوچک، همین کارهای کوچک هستند که پیوند ایجاد می‌کنند و شرکت را قوی و محکم نگه می‌دارند. شاید فکر کنی برای تغییر فرهنگ سازمان، باید سمت مهمی داشته باشی. اما فراموش نکنیم که یکی از قدرتمندترین ابزارها برای ساختن یک رابطه، گوش کـردن به طرف مقابل و دقـت به حرف‌های اوست من یک دکتر هستم، با اینکه ما دکترها خیلی سرمان شلوغ است که بخواهیم با تک تک بیمارهاوقت بگذاریم، اما از همان زمان کوتاه‌مدتی که مورد اعتمادمان باشند که در کنارشان، خود وقتی‌مان باشیم، روراست باشیم، به کسانی نیاز داریم که ما را آن‌طور که هستیم بپذیرند و قدرمان را بدانند.

مایه‌ش زیادی از روز را در محل کار می‌گذرانیم. خواه مجازی، خواه حضوری. تنهایی چطور روی عملکرد ما تاثیر می‌گذارد؟

مردم، دست‌کم یک‌سوم زندگی خود را در محل کار می‌گذرانند و تجربه مـا در محیط کار، روی زندگی خارج از محیط کار نیز تاثیر دارد. موسسه «گالوپ» در یک نظرسنجی، میزان تنهایی در محیط کار را بررسی کرد، با طرح این سوال از کارکنان: «حس می‌کنید چند تا دوست نزدیک در محل کار دارید؟» منظورشان این بود که چند نفر مورد اعتمادتان هستند که در کنار آنها، خودوقتی زنان هستید و جواب‌هاتان داد میان تنهایی و میزان مشارکت کارکنان نیز روی بهره‌وری، نوآوری و حفظ نیروها تاثیر دارد. نشان داد که کار تیمی، باعث افزایش ارتباطات اجتماعی می‌شود و همین، تفاوت‌های بزرگ ایجاد می‌کند. و اگر به احساس کارکنان و تجربه آنها اهمیت دهی، کار برایشـان خوشایندتر و رضایتبخش می‌شود.

و همیـن حس ارتباط در محل کار، بهـره‌وری ما را افزایش می‌دهد. همه اینها یعنی روابط ما در محیط کار بسیار مهم‌است که نه‌تنها روی سودوزیان شرکت، بلکه روی کیفیت زندگی کاری و شخصی افراد تاثیر دارد.

تو در کتابت درباره روابط صمیمانه با دوستان صمیمی صحبت کرده‌ای. به فعالیت‌های جمعی یا یک هدف مشترک هم اشاره کرده‌ای. آیا ما در محیط کار به هر دوی اینها نیاز داریم؟

بـه نظرم در زندگی به دایره افراد صمیمی نیاز داریم. به فعالیت‌های گروه یا افراد دورتر هم نیاز داریم اما در محیط کار، به کسانی نیاز داریم که مورد اعتمادمان باشند که در کنارشان، خود وقتی‌مان باشیم، روراست باشیم، به کسانی نیاز داریم که ما را آن‌طور که هستیم

پرونده جراید

مبنای منطقی شمس تبریزی در بدعت گذاری چیست؟

شهر کتاب- بیستمین نشست از مجموعه درس گفتارهایی درباره‌ی شمس تبریزی به «تحلیل انتقادی گفتمان شمس تبریزی در باب بدعت و متابعت» اختصاص داشت که چهارشنبه ۲۱ خرداد با سخنرانی دکتر مهدی محبتی، عضو هیات علمی دانشگاه زنجان، به صورت زنده از اینستاگرام شهر کتاب پخش شد.

محبتی سخنانش را با این نکته آغاز کرد که این روزها «حقیقت مجاز و مجاز حقیقت» است. ما واقعا نمی‌دانیم که این دنیایی که در آن هستیم حقیقت است و یا آن دنیایی که خالی و در فضای مجازی است. اگر حافظ روزی می‌گفت که شرمنده رهروی که عمل بر مجاز کرد! زنده بود، می‌دید که این روزها بیشتر تو و کرونا چه بر ما کرده است. از همین روی من به دلیل فاصله‌ای که میان جلسه‌ی تخست و این جلسه افتاده یک مروری بر آن چه قبلا گفته شده می‌کنم و اگر زمان بود، باقی گفتار را پی می‌گیرم.

بحث در این بود که وقتی شمس تبریزی بایزید را بدعت گذار می‌نامد، بر چه اصلی این کار را انجام می‌دهد. این سخن شمس یک جورهایی به این معناست که: من خودم هستم و دیگران دارند متحرف می‌شوند. مبنای منطقی شمس تبریزی در بدعت گذار بودن حلاج چیست؟ برای این که ما این حرف را مستدل اثبات کنیم یک مقدماتی تیاز است. بنابراین باید تخست خود بدعت را معنا کرد و بدانیا بگوییم خود بدعت چیست؟ بدعت در معنای عرب یعنی امر تو سنت که قطعی مقابل بدعت است یا معنای شاره‌ه راه هموار است. پس آن راه خاکی و کوچک همان بدعت است. راه مقابل سنت بدعت است. بدعت دو گونه است: صغیر و کبیر.

چرا حلاج، سهروردی و... مستحق مرگ بوده‌اند؟

بعد صغیر چیزهای جاده و کناره‌ی راه است. اما اگر کسی بیاید و بگوید جاده این طرف است و باید راه را عوض کرد. این بدعت کبیر است. بدعت کبیر عوض کردن جاده است. هدف، این بود که اصلا در سنت فرهنگی و فرهنگ سنتی ما امکان بدعت کبیر هست یا خیر؟ یا شمس بدعت کرده یا نه؟ اصلا کسی بیاید و بگوید که بفتظر من راه این طرف است نه آن که الان وجود دارد؟ آیا امکان بدعت کبیر هست و ممکن است یکی بیاید و بگوید راه این است نه آن؟ آیا اصلا در آن فضا امکان ایجاد یک امر جدید هست یا نه؟ یک فرقه و یا کیش جدید. هرچه گرایش دیده می‌شود که دین و کیش ایجاد می‌شود. باید اصل آن را در یک قدرت سیاسی اقتصادی دید. این یک نکته قابل تامل است. در واقع عمده دعوت‌ها ما برای دین و آیین جدید متکی به یک پیش زمینه امر سیاسی و اقتصادی است.

شمس تبریزی و سخنان عجیب خواجه نظام‌الملک طوسی

خواجه نظام می‌گوید هر کسی ماتند ما فکر تکند بدعت گذار است و باید کشته شود. حرف یک چیز است ولی بنیادهای فرهنگی و فکری را چیز دیگری می‌چرخاند. خود دعوت خیلی مهم تیست وقتی که جریانی به سمت تشریفات و قدرت ترفته است. شمس تبریزی در قرنی زندگی می‌کند که خواجه نظام‌الملک حرف‌های عجیبی می‌زند. آن تفکر نظام‌الملکی در سیاست ملوک بتیاد یک سیاست را می‌تهد. خواجه نظام‌الملک می‌گوید که هر کسی ماتند ما فکر تکند باید کشته شود. او تمایتد یک سیاست است. حرف دل یک چیز است و بتیاد فرهنگی و اجتماعی را چیز دیگری می‌چرخاند.

دلیل تام گذاری این تتست‌ها به عنوان گنج گوهربار یا مبالغه مستعار، برای این است که بیتیم آن چه بزرگان گفته‌اند چه جایگاهی دارند؟ گفتیم که گنج گوهربار یکی از گنج‌های هشت‌گانه خسرو پرویز است که توسط یک کشاورز پیدا می‌شود. یعنی گنجی که مخفی است و باید به در بیاید و شناخته شـود. برخی بر این باورند که بسیاری از حرف‌ها چندان به‌درد زندگی نمی‌خورند. مثلا حرف‌های مولانا و حافظ به درد کسانی می‌خورند که همه‌چیزشان سرجا است و می‌خواهند پس از عیش و نوش رقص و سماعی انجام دهند.

حرف این متقدان این اسـت که تفکر فدای زیبایی زبان شـده اسـت و حرف‌حسـاب در همه‌ی توشته‌های آنان اندک است. به جای این که شعر به تفکر و فلسفه کمک تکند تفکر قربانی زیبایی شاعرانگی شده است. این جاست که فیلسوفان ما شعر می‌گویند. وقتی که ما می‌گوییم مولوی خوب است. به این معنی تیسـت که عیبی تنارد ما تباید از بزرگان بت بسازیم. متاسفانه ما همیشه می‌گوییم یا ما یا شما. لزومی تنارد که ما رویه‌روی هم باشیم و همدیگر را نفی کنیم. ما می‌توانیم با هم باشیم. ما خوب و بد ها را باهم بیتیم و آن‌ها را در کنار هم بگذاریم. ممکن است برخی از گفته‌های بزرگان مشکل داشته باشد اما تباید تنها آنگاتست روی آن‌ها گذاشت. باید آن چیزهایی که فیلسوفان بزرگ را تیز منحیر می‌کند و به زانو در می‌آورد را تیز دید. ما باید از کسی بت تسازیم.

شمس درباره سهروردی چه دیدگاهی دارد؟

شمس روحه‌ای دارد که کمتر کسی به ماتند اوست. مثلا می‌گوید اوعلی تیم فلسفی است یا خیام بی‌ربط و یا اکتند و بیرت می‌گوید یا بایزید «سلطان عاشق چه خوانم؟» هیچی تیسـت. آیا این سـخنان گنج گوهربارند یا مبالغه‌ی مستعار است؟ مبالغه‌ی مستعار تیز از مباحثه‌ی درویش با ترومتند در آخر باب هفتم گلستان سعدی گرفته شده است.

باید تامل و بازاندیشی کرد و تباید بعبه و جعبه گفت و یا همه‌ی آن چیزها را دور ریخت. آغاز چالش با شمس این جاست که باید از وی پرسید: تو که می‌گویی فلان کس این جور یا آن جور است. خودت کجا ایستاده‌ای؟ باید جرات شمس و حافظ و دیگر بزرگان را ستود زیرا جرات گفتن سختی‌ها را داشته‌اند که دیگران نداشته‌اند. برای تموته حافظ گفته است که همه‌ی ما گناهکاریم.

شـمس درباره‌ی سهروردی گفته است: سهروردی در پی امر سیاسی بود. می‌خواست رابطه اقتصادی را در جامعه عوض کند اولا بر مبنای پول تباشد و سپس همه چیز اشتراکی باشد. ماتند مزدک در روزگار ساسانیان. این غربی کوهی بود اما در متابعت تبود. به پرستش تخست بازمی‌گردیم و آن این که آیا بدعت کبیر در فرهنگ ما امکان‌پذیر است یا نه؟

مولانا اقراطی‌تر از شمس است

مولانا در یکی از داستان‌های خود، گروهی را به تمایش می‌گذارد که با پیغمبر و دیندارانِ روزگار خودشان مشکل دارند. آن‌ها می‌گفتند که پیش از آمدن پیامبر ما چگونه بودیم و حالا چطور هسـتیم؟ مولوی در آن داستان حتی به مخالفانِ، آزادی گفتن اندیشه‌هایشان را تمی‌دهد بلکه آن‌ها را ریشه‌کن می‌کند. یعنی از شمس تیز اقراطی‌تر با موضوع برخورد کرده است. آزادی یعنی مخالف من حرف بزند. در مثنوی مولوی هیچ‌کس جرات مخالفت با سنت را ندارد. تنها برخی موالع از زبان مولوی سختانی بیان می‌شود و بس. ما تمی‌توانیم مطلق بگوییم. جهان هم رشت و هم زیبا است. تسل امروز تسل قدرت تیست بلکه تسل فکر و هوش است و باید توجیه شوند. طوطی ثقل و شکر بودیم ما مرغ مرگ‌اندیش گشتیم از شما. خوب حالا کسی بیاید و از این زاویه سخن را مطرح کند که آقای شمس و مولانا اصلا خود شما بدعت هستید! آیا اجازه می‌دهید یا نمی‌گویید که این همه‌ی آیا در دل این وضعیت اجتماعی تمدن و فرهنگ ما کسی امکان بدعت کبیر دارد یا نه؟ اگر تنارد چرا؟ و اگر دارد لوازم آن چیست؟ آیا واقعا تاختن به مرزها و پشت سر گذاشتن همه‌ی آن‌ها کار مبارکی است؟ ویل دورانت یک کتاب به نام تصتیدهای زندگی دارد. آدم وقتی که عقلش زیاد می‌شود می‌بیند بتر در طول تاریخ با تمسـک خانواده، فرهنگ، دین، قانون و... خودش را نگه داشته است.

مترجم: مریم مرادخانی

خبرچه

کتابفروش ایتالیایی عاشق کمیک در ایرلند از امیدواری‌هایش می‌گوید

کتابفروشی بیگ‌بنگ که از نظریه دانشمند معروف انگلیسی جان مایکینز الهام گرفته شده، سال ۲۰۱۱ آغاز به کار کرده و در مرکز شهر دوبلین تنها به فروش کتاب‌های مصور و گرافیک و معماری می‌پردازد.

به گزارش پیام آشنا به نقل از ایبنا، کتابفروشی بیگ‌بنگ در شهر دوبلین پایتخت ایرلند در نوع خود یکی از بهترین مراکز فروش کتاب‌های کمیک و مصور محسوب می‌شود که در بین کشورهای مختلف مقام پنجم را دارد. این کتاب فروشی دو سال پیش نفرد دریافت جایزه بهترین کتاب فروشی قـتیول کمیک استریپ ایالات ساندیگو آمریکا شد و تا کنون دوبار نفرد دریافت جایزه مشهور آیزنر برای فروش کتابهای مصور شده است.

برونو باتیستا صاحب ایتالیایی الاصل این کتابفروشی همراه دوستان خود این کتاب فروشی را اداره می‌کند که همه آنها عاشق این نوع کتاب‌ها هستند. وی می‌گوید کتاب مصور دارای جایگاه ویژه‌ای در بین مخاطبان داستانی بوده و به همین خاطر ما تصمیم گرفتیم تنها به فروش این نوع کتابها بپردازیم. در اینجا مشتری هایی از سنین مختلف از ۴ تا ۷۰ ساله هر روز برای خرید کتاب مصور می‌آیند و ما از این مسئله خوشحالیم که همه اقشار به کتاب مصور علاقمند هستند. باتیستا اعتقاد دارد در زمان کتاب‌های الکترونیک مخاطبان نسبت به کتابهای کمیک استریپ یا رمان‌های مصور علاقه ویژه‌ای پیدا کرده‌اند. وی می‌گوید این کتاب ها بیشتر از یک داستان معمولی هستند چون دنیایی پر از احساسات نوینسنده و تقاش یا تصویرگر پشت سر خود دارند. وی اظهار امیدواری می‌کند محتوای رمان‌های مصور بیشتر از گذشته شود و نویسندگان بیشتر به این حوزه اهمیت دهند. او اعتقاد دارد در زمان کنون تصور بر این است که هر رمان یا کتاب تصویری تنها با هدف سرگرمی تولید می‌شود ولی هر رمانی قابلیت تبدیل شدن به یک کتاب مصور را دارد.

تاثیر «ارباب حلقه‌ها» بر دیدگاه ایلان ماسک

ایلان ماسک، مالک پروژه اسپیس ایکس، پنج کتاب را برای علاقمندان به مطالعه پیشنهاد می‌دهد. وی معتقد است که رمان «ارباب حلقه‌ها» دیدگاهش را نسبت به آینده شکل داده است.

به گزارش پیام آشنا به نقل از ایبنا، پس از تقریبا دو هفته تلاش، اسپیس ایکس شرکت هواقضای ایلان ماسک با موفقیت دو فـرسان را به مدار زمین فرستاد و عصر تازه‌ای از پروازهای فضایی انسانی را در ایالات متحده و جهان آغاز کرد. به همین مناسبت کتابخانه عمومی شیکاگو در لینک، کتاب‌های پیشنهادی ایلان ماسک را منتشر کرد.

تاثیر «ارباب حلقه‌ها» بر دیدگاه ایلان ماسک: ارباب حلقه‌ها ایلان ماسک در یکی از مصاحبه‌های خود درباره کتاب «ارباب حلقه‌ها» نوشته جی آر آر تالکین گفته این اثر فانتزی و تخیلی را در تنهایی خوانده و دیدگاهش را نسبت به آینده شکل داده است. اختراع نهایی ما ماسک در این مصاحبه معتقد بود کتاب «اختراع نهایی ما» به نویسـندگی جیمز بارات، نمود عجیب و خطرناک هوش مصنوعی را به خوانندگان القا می‌کند. در واقع این اثر به روند چگونگی عملکرد هوش مصنوعی و پایان عصر انسان تاکید دارد. بازرگانان تردید کتاب «بازرگانان تردید» نوشته نئومی اورسکس از سوی ایلان ماسک در یک کنفرانس در سال ۲۰۱۴ توصیه شد. وی چند روز بعد در توییتی به موضوع کتاب اشاره کرد و گفت: همان جریان‌هایی که سرطان ناشی از مصرف سیگار را منکر می‌شدند، اکنون منکر شرایط بد اوضاع هستند.

شالوده: علاوه بر کتاب‌های ارباب حلقه‌ها و آثار آیزاک آسیموف، بخشی از علایق ایلان ماسک معطوف کتاب‌هایی است که مربوط به اثر علمی-تخیلی است. کتاب «شالوده» یکی از علاقه‌مندی‌های ایلان ماسک است که آن را به آسیموف دوستان پیشنهاد می‌دهد. زندگی ۳.۰: ماسک علاقه زیادی به آینده هوش مصنوعی دارد. وی در میان کتاب‌هایی که در مصاحبه‌ها و گفت‌وگوهایش معرفی کرده است، همیشه چند کتاب را به این موضوع اختصاص داده. وی در فعالیت‌هایش تلاش می‌کند آینده هوش مصنوعی را کشف کند. کتاب «زندگی ۳.۰» انسان بودن در عصر هوش مصنوعی» نوشته مکس تگمارک جزو آثاری است که وی برای خواندن توصیه کرده است. این اثر را مریم محمدامینی به فارسی ترجمه کرده و از سوی انتشارات نشر نو راهی بازار کتاب شده است.